

راشل کوری: نوری که خم نشد

در ۱۶ مارس ۲۰۰۳، در جنوب نوار غزه، زمین زیر بولدوزری لرزید — و جلوی آن زنی جوان آمریکایی، ۲۳ ساله، با جلیقه ایمنی نارنجی، مگافون به دست، صدایش بلند شده بود تا خانه یک خانواده را حفظ کند. نامش راشل کوری بود.

آن روز او تنها در شن‌ها ایستاده بود، اما نه در روح. در قلبش کودکانی بودند که با آن‌ها بازی کرده بود، مادرانی که به او غذا داده بودند، خانواده‌هایی که او را به زندگی‌شان راه داده بودند. باور داشت حضورش ماشین را متوقف می‌کند. نکرد. وقتی جلو آمد، بدنش را خرد کرد. اما نتوانست آنچه را که او برایش ایستاده بود، خرد کند.

راشل کوری نه فقط با وزن بولدوزر کشته شد. او با وزن بی‌عدالتی کشته شد — و در راه ایستادن جلوی جان باخت.

شکل‌گیری یک شاهد

راشل آلین کوری در ۱۰ آوریل ۱۹۷۹ در المپیا، واشنگتن به دنیا آمد — جایی از باران، جنگل‌ها و وجدان سیاسی آرام. حتی در کودکی، راشل بار دیگران را احساس می‌کرد. زود و زیاد سؤالات بزرگ می‌پرسید. در ده سالگی اعلام کرد هدفش «پایان دادن به گرسنگی جهان» است. از این بیرون نرفت — عمیق‌تر در آن فرو رفت.

در دانشگاه اورگرین استیت، توسعه جهانی، ادبیات و نظریه سیاسی خواند. اما راشل بیش از نظریه می‌خواست. می‌خواست با بی‌عدالتی رو در رو شود. وقتی از رنج مردم فلسطین زیر اشغال نظامی شنید — زندگی‌ای پر از خانه‌های ویران‌شده، مرزهای بسته و رویاهای شکسته — فقط بحران را مطالعه نکرد. رفت.

در ژانویه ۲۰۰۳، راشل به عنوان بخشی از جنبش همبستگی بین‌المللی (ISM) — جنبشی غیرخشونت‌آمیز به رهبری فلسطینی‌ها که فعالان بین‌المللی را به قلب سرزمین‌های اشغالی دعوت می‌کرد — به غزه رسید.

آنجا قلبش علت خود را یافت. و غزه دختری یافت.

غزه: ضربان قلب وجدانش

راشل غزه را فقط تماشا نکرد — وارد زندگی‌اش شد. در میان مردم رفح، شهری زخمی از محاصره و از دست دادن، زندگی کرد. در خانه‌های خانواده‌های فلسطینی که در خطر تخریب بودند، ماند. عربی یاد گرفت، به کودکان در تکالیف مدرسه کمک کرد، نان را با همسایگان تقسیم کرد و همان خیابان‌های خاکی را که تانک‌ها سایه انداخته بودند، طی کرد.

مردم رفح او را نه به عنوان مهمان، بلکه به عنوان یکی از خودشان پذیرفتند. با محبت او را «راشا» صدا می‌کردند و او فاصله نگه نمی‌داشت. در چادرهای عزا می‌نشست. خرید مادرها را حمل می‌کرد. با کشاورزان در مزارع بولدوزر شده می‌ایستاد. حضورش نمادین نبود — صادقانه بود.

در نامه‌هایش به خانه، بی‌عدالتی غیرقابل تحمل — و سکوت غیرقابل تحمل جهان — را توصیف می‌کرد.

«من شاهد این نسل‌کشی مژمن و مژنی هستم»، نوشت. «همچنین درجه‌ای از قدرت و سخاوت را کشف می‌کنم که هرگز فکر نمی‌کردم ممکن باشد.»

راشل می‌فهمید که همبستگی شعار نیست — فداکاری است. و او آماده فداکاری بود.

ایستادن نهایی: شاهی ابدی شده

در ۱۶ مارس ۲۰۰۳، راشل کوری جلوی خانه خانواده نصرالله در رفح ایستاد. با آن‌ها زندگی کرده بود، سفره‌شان را شریک شده بود و زیر سقف‌شان خوابیده بود. آن روز ارتش اسرائیل یک بولدوزر کاترپیلا D9 فرستاد تا خانه‌شان را ویران کند — همان‌طور که صدها خانه دیگر در غزه را کرده بود. راشل جلو آمد. جلیقه نارنجی روشن پوشیده بود و از طریق مگافون فریاد می‌زد، کاملاً قابل‌دیدن در میدان باز.

ماشین جلو آمد. توقف نکرد. وقتی عقب رفت، بدن راشل زیر آن بود — خردشده، بی‌جان، اما برای همیشه به چیزی جاودانه تبدیل شده.

مقامات اسرائیلی بقایای او را مصادره کردند. آنچه بعد آمد، خشونت دوم و خاموش‌تری بر خانواده‌اش وارد کرد. بدون احترام به حقوق یا اندوه‌شان، مقامات اسرائیلی بدون رضایت خانواده کالبدشکافی روی بدن راشل انجام دادند، سپس او را سوزاندند و فقط خاکسترش را به والدینش در المپیا بازگرداندند.

مادر راشل، سیندی کوری، بعداً در دادگاه اسرائیلی و مصاحبه‌های بین‌المللی شهادت داد:

«هرگز در مورد کالبدشکافی با ما مشورت نشد. به ما گفته شد که باید قبل از آزاد شدن بدن انجام شود، اما به ما نگفتند کی، کجا، توسط چه کسی، یا اینکه درخواست‌های ما نادیده گرفته می‌شود.» —
سیندی کوری، شهادت دادگاه ناحیه حیفا ۲۰۱۰ و مصاحبه ۲۰۱۵

این اهانت نهایی، بدون مراقبت یا رضایت انجام‌شده، فصل هولناکی در بی‌عدالتی مرگ او باقی مانده است. حتی ابتدایی‌ترین حق خانواده را — مراقبت از بدن دخترشان با آرامش، دعا و حضور — از آن‌ها گرفت.

اما در غزه، روح او با کرامت گرامی داشته شد. آنجا راشل در سکوت دفن نشد. او به عنوان شهیده بالا برده شد. در فرهنگ رفح، در چشمان خانواده‌هایی که او برای دفاع از آن‌ها مرد، او بالاترین جایگاه اخلاقی را به دست آورد — نه از طریق خشونت، بلکه از طریق فداکاری در دفاع از زندگی.

مردم رفح یک تشییع جنازه نمادین برگزار کردند. عکس او را در پرچم‌های فلسطین پیچیدند، خاطره‌اش را در خیابان‌ها حمل کردند و آیات قرآن را خواندند که قرن‌ها در گرامیداشت کسانی که برای دفاع از بی‌گناهان می‌میرند، طنین می‌اندازد:

«و هرگز کسانی را که در راه الله کشته شده‌اند، مرده مپندار. بلکه زنده‌اند نزد پروردگارشان، روزی داده‌شده، شادمان از آنچه الله از فضلش به آن‌ها عطا کرده، و مژده می‌دهند به کسانی [که شهید خواهند شد] پس از آن‌ها که هنوز به آن‌ها نپیوسته‌اند — که ترسی بر آن‌ها نیست و غمگین نخواهند شد. مژده می‌دهند از نعمت از الله و فضل و اینکه الله پاداش مؤمنان را ضایع نمی‌کند.» (سوره آل عمران ۱۶۹: ۳-۱۷۱، سحیح اینترنت‌شنال)

گرچه راشل کوری مسلمان نبود، روح شهادت — پذیرش حقیقت تا مرگ — در او کاملاً زنده بود. شهادتش نه تنها توسط مردم غزه پذیرفته شد؛ تقدیس شد. نامش به فهرست مقدس کسانی پیوست که زندگی‌شان را برای عدالت، کرامت و دیگران دادند.

خانواده‌ای که فراموش نکرد

والدین راشل، کریگ و سینی کوری، می‌توانستند در غم به درون خود فرو بروند. در عوض، با هدف به بیرون روی آوردند. بنیاد راشل کوری برای صلح و عدالت را تأسیس کردند، نه به عنوان یادبودی برای گذشته، بلکه به عنوان تعهدی برای آینده.

آن‌ها در برابر دادگاه‌ها، دولت‌ها و دانشگاه‌ها ایستادند — عدالت برای دخترشان و برای مردمی که با او ایستاده بود، طلب کردند. در سال ۲۰۱۲، دادگاهی اسرائیلی مرگ او را «تصادف» حکم داد و دولت را تبرئه کرد. اما مأموریت کریگ و سینی هرگز لرزید.

تا امروز، آن‌ها شخصاً در دفاع از حقوق فلسطینی‌ها درگیرند، صدای خاموش‌شدگان را تقویت می‌کنند، مسیرهایی را که راشل زمانی رفته بود، می‌روند و حقیقتی را که او برایش مرد، تجسم می‌بخشند: اینکه عدالت متعلق به یک ملت، یک ایمان یا یک قوم نیست — میراثی جهانی است.

دخترشان زندگی‌اش را از دست نداد. او آن را بخشید، آزادانه.

نوری که به جا گذاشت

نام راشل کوری اکنون در نقاشی‌های دیواری سراسر غزه زنده است. مدارس نام او را دارند. کودکان دربارهٔ آمریکایی‌ای می‌آموزند که وقتی کم بودند، برای آن‌ها ایستاد. او در شعرها، فیلم‌ها و شب‌زنده‌داری‌ها یاد می‌شود. نمایشنامهٔ نام من راشل کوری است، که از نامه‌ها و دفترچه‌هایش گردآوری شده، تماشاگران را در سراسر جهان به اشک انداخته است.

اما میراث واقعی او در هنر یا خاطره نیست — در وجدان زنده‌ای است که در دیگران بیدار کرد. هزاران نفر را الهام بخشید تا نقش خود را در سیستم‌های ستم زیر سؤال ببرند، در همبستگی با اشغال‌شدگان و آوارگان بایستند و به یاد بیاورند که حتی یک نفر، اگر با حقیقت هدایت شود، می‌تواند در برابر دیوار بی‌عدالتی بایستد.

در قلب فلسطینی‌ها، راشل کوری نه نماد، بلکه خواهر است — کسی که عشقش اقیانوس‌ها را درنوردید و فداکاری‌اش او را با نسل‌های صالحان پیوند داد.

نتیجه‌گیری: شاهی که خاموش نخواهد شد

بیش از بیست سال گذشته است، اما نام راشل کوری هنوز طنین می‌اندازد — در اردوگاه‌های پناهندگان، کلاس‌ها، اعتراض‌ها و دعاها. او سرباز نبود، دیپلمات نبود، سیاستمدار نبود. او یک انسان بود — بی‌باک، اصولی و پر از عشق.

او برای خودش به غزه نیامد. برای آن‌ها آمد. و ماند.

«هر کس جان یک نفر را نجات دهد»، قرآن اعلام می‌کند، «گویی تمام بشریت را نجات داده است.»

(سوره المائده ۵:۳۲)

راشل کوری تلاش کرد بسیاری را نجات دهد — نه با خشونت، بلکه با حضورش. با ترس خاموش نشد. در برابر موتورهای ستم عقب ننشست. و گرچه بدنش شکست، شهادتش نشکست.

راشل کوری رفته نیست.

او زنده است — در خاطره، در روح، در هر عمل شجاعتی که او را دنبال می‌کند. او زنده است نزد پروردگارش، در میان شهدا، شادمان از نوری که به سوی آن گام برمی‌داشت.

او ایستاد، افتاد و برخاست — تا ابد.

منابع

- کوری، راشل. **بگذار تنها بایستم: دفترچه‌های راشل کوری**. ویرایش سیندی کوری و کریگ کوری. نیویورک: دبلیو. دبلیو. نورتون و کمپانی، ۲۰۰۸.
- قرآن کریم. ترجمه سحیح اینترنشنال. جده: انتشارات ابوالقاسم، ۱۹۹۷.
- جنبش همبستگی بین‌المللی. «یاد راشل کوری». بیانیه‌ها و شهادت‌های شاهدان عینی، ۲۰۰۳.
- دیده‌بان حقوق بشر. «اسرائیل: مرگ معترض آمریکایی را تحقیق کنید». اطلاعیه مطبوعاتی. ۱۷ مارس ۲۰۰۳.
- عفو بین‌الملل. «اسرائیل/سرزمین‌های اشغالی: مرگ راشل کوری باید تحقیق شود». بیانیه عمومی. ۱۸ مارس ۲۰۰۳.
- دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل (UNOCHA). «تخریب‌های رفح: مرور و تأثیر بشردوستانه». به‌روزرسانی میدانی نوار غزه، ۲۰۰۳.
- کوری علیه دولت اسرائیل. **حکم دادگاه ناحیه حیفا**. پرونده ۳۷۱/۰۵. ۲۸ اوت ۲۰۱۲.
- دیوان عالی اسرائیل. **تصمیم در تجدیدنظر کوری علیه دولت اسرائیل**. پرونده ۸۵۷۳/۱۲. ۱۲ فوریه ۲۰۱۵.
- ریکمن، آلن، و کاترین وینر، ویراستاران. **نام من راشل کوری است**. لندن: نیک هرن بوکز، ۲۰۰۵.
- بنیاد راشل کوری برای صلح و عدالت. **بیانیه‌های مأموریت و مواد دفاع عمومی**. المپیا، واشنگتن، ۲۰۰۳-تاکنون.